

Preventing Recidivism and Rehabilitating Offenders with a Focus on the Ideas of the Supreme Leader of Iran

Ali Ghobadian¹

Seyed Mir Agha Kazemi²

(Received on: 2023-07-19; Accepted on: 2023-11-05)

Abstract

Repeat crimes, or recidivism, as a form of risky behavior, have led to different reactions in various societies. The most common response to this issue has been increasing punishments. However, since some offenders commit crimes again after serving their sentences, properly managing these individuals is crucial for maintaining public safety. If offenders are not handled effectively, not only will they not reform, but they may also commit crimes again.

Rehabilitation and treatment of offenders are key approaches to dealing with crime. These methods help the justice system achieve its goals, especially in preventing repeat offenses. Additionally, reviewing the views of the Supreme Leader of Iran-who plays an important role in shaping the country's criminal policies-adds great value to this discussion.

This study examines ways to prevent repeat crimes and rehabilitate offenders, with a focus on the Leader's ideas. It uses an analytical and descriptive approach to review his documented speeches. The findings show that quick, fair, and consistent enforcement of justice, combined with promoting cultural values and raising awareness, can significantly prevent crime. Likewise, encouraging law-abiding behavior, promoting reconciliation, and showing forgiveness to offenders are important for their rehabilitation.

Keywords: Prevention, Repeat Crimes, Rehabilitation, Leader's Ideas, Offender Reform.

1. Head of the Department of Jurisprudential Studies at the Judicial Research Institute and Head of the Department of Criminal Law and Criminology at the University of Justice. Email: Dr.Qobadian@gmail.com

2. Seminary student, level 4, Qom Seminary, Qom, Iran (PhD student in Criminal Law and Criminology) (Responsible Author)Email:miragha_kazemi@miu.ac.ir

پیشگیری از تکرار جرم و بازپروری بزهکاران با تأکید بر اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی

علی قبادیان^۱، سیدمیرآغا کاظمی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴)

چکیده

تکرار جرم یکی از مظاهر حالت خطرناک است که جوامع مختلف را به موضع‌گیری‌های متنوعی واداشته است. سنتی‌ترین پاسخ در قبال این پدیده ناخوشایند، به‌کارگیری شدت کیفرهاست. نظر به اینکه بخشی از بزهکاران بعد از تحمل مجازات، دوباره مرتکب جرم می‌شوند، برخورد صحیح و اصولی با آنها و جلوگیری از تکرار جرم، تأثیر بسزایی در تأمین بخش مهمی از امنیت جامعه دارد. به طور طبیعی در صورت نبود برخورد صحیح با بزهکاران، نه تنها هدف اصلاح بزهکاران تأمین نمی‌شود، بلکه زمینه‌های تکرار جرم از سوی آنها نیز مهیا خواهد شد. از سویی بازپروری یا اصلاح و درمان بزهکار از تأسیس‌هایی است که در واکنش به جرم شایستگی استفاده دارد و می‌تواند نظام عدالت کیفری را در رسیدن به اهداف خود یاری کند که یکی از آنها پیشگیری از تکرار جرم است. از دیگرسو بازخوانی سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران که جایگاه راهبردی در سپهر سیاست جنایی ایران دارد، اهمیتی دوچندان دارد؛ ازاین‌رو در این پژوهش به پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح بزهکاران با تأکید بر سخنان رهبری با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی پرداخته شده است. برآیند حاصل از پژوهش، نشان می‌دهد سرعت، دقت و یکسان اجرای عدالت در قالب کیفر و هنجارسازی فرهنگی و آگاهی بخشی در اقدامات نرم در پیشگیری از جرم تأثیرگذار است؛ همچنان‌که تشویق قانون‌مداران و اصلاح ذات‌البین و گذشت از بزهکاران در بازپروری بزهکاران نقش آفرین است.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری از جرم، تکرار جرم، بازپروری، اصلاح و درمان بزهکار

۱. استادیار، مدیر گروه مطالعات فقهی پژوهشگاه قوه قضاییه، مدیر گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه عدالت dr.qobadian@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، حقوق جزا، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول)
miragha9512@gmail.com

مقدمه

همواره در جامعه بشری، کسانی عَلم مخالفت در برابر هنجارهای مقبول بیشتر جامعه را بلند کرده‌اند؛ به گونه‌ای که مقابله با پدیده بزهکاری همواره از دغدغه‌های اول هر جامعه به شمار می‌رفته است. همچنین تاریخ بشر کمتر جامعه‌ای را به یاد دارد که بزهکاری ابتدایی‌ترین معضل آن جامعه نبوده باشد. امروزه نیز در بسیاری از جوامع، بزهکاری در صدر فهرست معضلات اجتماعی قرار می‌گیرد. هرچند شیوه‌های مقابله با این معضل همواره در حال روزآمد شدن است و دست‌اندرکاران مقابله با این پدیده سعی در به‌کارگیری کارآمدترین ابزار و شیوه را داشته است، در نقطه مقابل کنشگران جرم نیز نظاره‌گر نبوده‌اند و آنان نیز همگام با تحولات روز، شیوه‌های جدیدی برای بزهکاری به کار بسته‌اند. در این میان نقش سیاست‌گذاران و راهبردها سازان این میدان همیشه تعیین‌کننده است. درواقع چگونگی تعیین راهبردی راهبردها سازان نتیجه نبرد بین بزهکاری و پاسداری از ارزش‌ها را مشخص می‌کند؛ از این رو توجه پژوهشگران و نیز متولیان مقابله با پدیده بزهکاری معطوف به راهبردهایی است که راهبردها سازان جامعه تعیین می‌کرده‌اند.

در ایران اسلامی جایگاه رهبر به عنوان اولین و مهم‌ترین فرد راهبردها ساز در تعیین خط مشی مبارزه با پدیده بزهکاری از این اهمیت مستثنا نیست؛ از این رو بجا و ضروری است که راهبردهای مقام معظم رهبری در جایگاه عالی‌ترین مقام در نظام اسلامی ایران بررسی شود تا با استخراج این راهبردها و نهادینه کردن آنها در نظام عدالت کیفری، شاهد کاهش و نیز پیشگیری از بزهکاری باشیم. گفتنی است در موضوع حاضر یعنی نگاه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران ناظر به پیشگیری از تکرار جرم آثار چندانی در دسترس نیست؛ به جز برخی آثار مانند «پیشگیری از جرم از منظر ولایت فقیه» اثر ذوالقدر و علوی نژاد که به بررسی رهنمودهای مقام معظم رهبری و امام خمینی (ره) در زمینه پیشگیری از جرم به طور مطلق پرداخته‌اند؛ همچنین «پیشگیری از جرم در نگاه مقام معظم رهبری» نوشته سماواتی پیروز و بیگدلی که بیشتر به سخنان مقام معظم رهبری ناظر به پیشگیری از جرم

پرداخته‌اند. اما پژوهش حاضر بیانات حکیمانه مقام معظم رهبری را که معطوف به قوه قضاییه است، در مورد پیشگیری از تکرار جرم از رهگذر اصلاح و بازپروری بزهکاران بررسی کرده است؛ از این رو تحلیل و بررسی سخنان رهبری خطاب به قوه قضاییه که معطوف به اصلاح و بازپروری بزهکاران است، جنبه نوآوری این پژوهش را شکل می‌دهد. منبع مورد مطالعه این پژوهش افزون بر برخی دیدگاه‌های اندیشمندان، سلسله بیانات رهبر معظم انقلاب است که در سایت حفظ و نشر آثار ایشان منتشر شده است؛ همچنین کتاب‌هایی که به طور خاص به سخنان قضایی ایشان پرداخته است یا به طور کلی سخنان ایشان را گردآوری کرده است.

۱. مفاهیم

۱-۱. بزهکار

مجرم یا بزهکار یعنی کسی که مرتکب جرم شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱ ه.ش، ج ۴، ص ۳۲۲۳). برای فهم معنای دقیق بزهکار، نخست باید روشن کرد که بزه چیست؟ ناخرسندانه باید اعتراف کرد «در سراسر فرهنگ و واژگان حقوقی و جرم‌شناسی هیچ واژه‌ای از نظر معنا به پیچیدگی واژه جرم یا بزه وجود ندارد» (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷ ه.ش، ص ۴۶). این گسست و ناهمگونی در دو دانش حقوق جزا و جرم‌شناسی بیشتر از همه تبلور دارد؛ چراکه در دانش جرم‌شناسی جرم را «هرگونه تجاوز به حقوق فرد، گروه، یا اجتماع دانست که قباحات اجتماعی داشته و مرتکب آن از نظر عموم افراد جامعه مستحق ملامت و مجازات می‌باشد» (وایت و هینز، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۶۲). چنان‌که پیداست جرم‌شناسی جرم را دارای معنای گسترده می‌داند؛ اما در حقوق کیفری برای آن معنای مضیقی در نظر گرفته شده است؛ یعنی هر نوع فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده است. همان‌طور که مقنن در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی کنونی به درستی اقدام به

تصحیح آن کرده است.^۱ این معنا دقیق و دارای قلمرو مشخص است. وفق این معنا بزهکار، یعنی «کسی که مرتکب فعل یا ترک فعلی شده که در قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده است». در نوشتار حاضر همین معنا مدنظر است.

۲-۱. بازپروری

بازپروری به اعاده سلامتی و نیروی بدنی به وسیله ورزش و تغذیه مناسب گفته می شود (دهخدا، ۱۳۹۰ ه. ش، ج ۱، ص ۳۲۵)؛ از این رو به تربیت و اصلاح معتادان و بزهکاران و آماده نمودن آنان برای بازگشت به اجتماع نیز بازپروری گفته می شود (دهخدا، ۱۳۹۰ ه. ش، ج ۱، ص ۳۲۵). از آنجاکه وفق برخی دیدگاه ها، جرم نوعی بیماری است که روند عادی زندگی فرد مجرم را مختل می کند، با بازپروری درصدد هستیم فرد بزهکار با دوری جستن از کنش های مجرمانه به روند عادی زندگی برگردد و سلامت روحی و روانی خود را باز یابد. این مهم با تلاش های روشمند برای دگرگون نمودن روش ها و رفتارهای مجرمان از رهگذر تمرکز بر زدودن رفتارهای بزهکارانه آنان و تلاش در راستای آن امکان پذیر است (غلامی، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۶۰). هم راستا با این واژه، اصلاح است که به معنای بهبود یافتن عملکرد شخص است؛ اما بهبود یافتن به معنای صرف تغییر برخورد اجتماعی فرد به تنهایی نیست، بلکه اصلاح متضمن ایجاد تغییر در روحیات و حالات نفسانی، اذعان به ناپسند بودن عمل انجام شده و عزم به اخذ تصمیمی قاطع برای زندگی آینده است (کاتینگهام، ۱۳۸۲ ه. ش، ص ۱۶۲). چنان که پیداست بسان هدف آرمانی می ماند که به معنای دقیق کلمه از رهگذر انقلاب درونی دست یافتنی است. پرواضح است که رسیدن به این هدف بلندپروازانه نیازمند امکانات و منابع فراوانی است؛ به همین دلیل برخی اصلاح و بازاجتماعی ساختن را اساساً یک هدف آرمانی می دانند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷ ه. ش، ص ۲۹۰). اما از دیدگاه سیاست جنایی اسلام، چنین تغییری نه تنها آرمانی و دست نیافتنی است، بلکه بدیهی ترین معنای تغییر همین است. شاهد بر این ادعا آموزهای

ناظر به توبه است که بزهکاران را ترغیب به توبه می‌کند؛ چنان‌که توبه را این‌گونه معنا کرده‌اند: «و هي الندامة والعزم على عدم الفعل - لكون الذنب قبيحا ممنوعا شرعا و امثالاً لأمر الله و لم يكن غير ذلك مقصودا» (اردبیلی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۲، ص ۳۲۱). بنابراین توبه عبارت است از پشیمانی و تصمیم بر عدم انجام فعل، به این دلیل که آن رازشت و ممنوع و در راستای امتثال امر خدای متعال می‌داند.

۱-۳. پیشگیری

واژه‌شناسی واژه پیشگیری نشان می‌دهد که این واژه به معنای محافظت، دفع (معین، ۱۳۷۵ هـ.ش، ص ۴۳۹) پیش‌دستی و به جلوی چیزی شتافتن (دهخدا، ۱۳۹۰ هـ.ش، ص ۳۱۸) آمده است. اما اصطلاح پیشگیری در جرم‌شناسی معنای واحد ندارد، بلکه دو دیدگاه کلی نگر و جزئی نگر درباره آن وجود دارد (محمد نسل، ۱۳۸۸ هـ.ش، ص ۳۵). در دیدگاه کل نگر یا عام، هر نوع اقدام در زمینه پیشگیری از بزه، اعم از کیفری و غیرکیفری، چه پیش از جرم و چه پس از جرم را شامل می‌شود (سماواتی پیروز و بیگدلی، ۱۴۰۰ هـ.ش، ص ۱۴). در معنای محدود، پیشگیری شامل مجموعه وسایل، ابزارها و روش‌هایی می‌شود که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از راه حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا یا از راه اعمال مدیریت مناسب برای عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی پدیدآورنده فرصت جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳ هـ.ش، ص ۷۳۷). ماده ۱ قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ بیان می‌دارد پیشگیری از جرم عبارت است از: «شناسایی و ارزیابی خطرو وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای ازمیان بردن یا کاهش آن» که ناظر به همین معنا است.

اندیشمندان جرم‌شناس، پیشگیری را بسته به زمان کاربست و نوع اقدامات قابل انجام به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند. از رهگذر نخست، پیشگیری در یک تقسیم‌بندی کلی به کیفری و غیرکیفری تقسیم شده است. در پیشگیری کیفری با تهدید قهرآمیز تابعان نظام عدالت جزایی از یک سو و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت‌های

کیفری را نقض کرده‌اند؛ از سوی دیگر، در مقام پیشگیری عام و پیشگیری خاص از بزهکاری است (معظمی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۹۳). در پیشگیری غیرکیفری که بیشتر ناظر به اقدامات اصلاح‌مدارانه و در قالب پیشگیری اجتماعی قابل پیگیری است، درصدد اصلاح بزهکاران بالفعل از یک سو و وارد نشدن بزهکاران بالقوه در باتلاق بزهکاری از سوی دیگر است. در نوشتار حاضر با استفاده از رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری به هر دو نوع پیشگیری پرداخته خواهد شد.

۲. پیشگیری از بزهکاری در اندیشه رهبری

۲-۱. پیشگیری کیفری

پیشگیری در بدیهی‌ترین چارچوب، به افرادی توجه دارد که در فعالیت‌های مجرمانه درگیر نشده‌اند و به دنبال یافتن پاسخ برای این پرسش است که چه می‌توان کرد تا اطمینان خاطر حاصل شود که چنین افرادی هرگز وارد باتلاق بزهکاری نشوند؛ همچنین نگاهی به موقعیت‌ها و مکان‌هایی دارد که به لوٲ بزهکاری ملوٲ نشده‌اند تا بزهکاری در این این موقعیت‌ها و فضاها به معظم تبدیل نشود (محمد نسل، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۳۳). اما به یقین نمی‌توان از کنار تکرار جرم افراد بزهکار به سادگی گذشت و برای پیشگیری از جرم آنان کاری نکرد. هرچند به باور برخی جرم‌شناسان، اقداماتی پیشگیرانه قلمداد می‌شود که سرکوبگر و قهرآمیز نباشد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۲۱)؛ اما به طور غیرمستقیم اگر اقدامات انجام شود، می‌توان از تأثیر غیرمستقیم آن در پیشگیری از جرم سخن گفت.

بی‌تردید رسالت اصلی و اولی سیستم عدالت کیفری، سزادهی به بزهکاران و اجرای عدالت است؛ اما اینکه آیا نگاهی به پیشگیری از بزهکاری نیز دارد یا خیر، اما و اگرهایی در این باره مطرح شده است. این تردید ناشی از این پرسش است که آیا نظام عدالت کیفری از چنین ظرفیتی برخوردار است یا خیر؟ به باور برخی، چنین قابلیت‌ی مشکوک است؛ زیرا این دسته به کیفر نگرشی

نافایده‌گرایانه دارند؛ در مقابل به‌ویژه در سال‌های اخیر این دیدگاه بیشتر تقویت شده است که در کنار اجرای عدالت باید هدف پیشگیری و کاهش بزه را نیز دنبال کرد. بر همین اساس قانون اساسی برخی کشورها از جمله ایران،^۲ پیشگیری از جرم را جزء رسالت‌های قوه قضاییه شمرده است (محمدنسل، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۶۹). با توجه به همین وظیفه، مقام معظم رهبری پیشگیری از وقوع مفسده را از وظایف قوه قضاییه می‌داند.^۳ این نوع از پیشگیری نخستین بار در سال‌های ۱۳۷۱ در سخنرانی‌های مقام معظم رهبری مطرح شده است؛ برای نمونه ایشان به دستگاه قضایی توصیه می‌کند با برخورد دقیق با مجرم و دفاع از مظلوم از انجام جرایم جلوگیری کنند. ایشان در دیدار با مسئولان قضایی که در سال ۱۳۷۱ داشتند، پیشگیری از جرم را اجرای دقیق و تعقیب مجرم می‌دانند و این‌گونه بیان می‌کنند: «پیشگیری از جرم به همان اجرای عدالت است». «ولکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب»^۴ اگر قصاص کردید، قتل واقع نمی‌شود. اگر اجرای عدالت به شکل دقیق انجام گرفت، ظلم در جامعه اتفاق نمی‌افتد. اگر مجرم کما هو حق تعقیب شد و مَرَح و عدل درباره او جاری شد، کسی به جرم گرایش پیدا نمی‌کند. این، یک امر قهری است. بسط عدالت همین است. پیشگیری از جرم هم همین است. اینها اهداف و آرزوها و غایات قوه قضاییه است و این غایات، با همین کار قضایی که شما انجام می‌دهید، تحقق پیدا می‌کند و چیز دیگری لازم ندارد...»^۵ صعود به قله آرمانی پیشگیری، از رهگذر مولفه‌هایی نظیر سرعت، دقت در فرایند اجرای عدالت و همسانی همه در برابر عدالت دست‌یافتنی‌تر و آسان‌تر می‌نماید که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۱-۲. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پیشگیری کیفری در کلام رهبری

۱-۱-۲-۱. سرعت

سرعت در نظام عدالت کیفری دارای اهمیتی است که قابل چشم‌پوشی نیست، هم به لحاظ تعقیب و کشف جرم و هم صدور حکم و نیز در اجرای کیفر؛ زیرا هرچه زمان میان تبه‌کاری و اجرای مجازات کمتر باشد، تبادر و تلاقی میان دو مفهوم بزه و کیفر در ذهن انسان بزه‌کار

قوی‌تر و پایدارتر خواهد بود؛ تا آنجا که بزهکاری را علت و دیگری را معلول انفکاک ناپذیر و حتمی می‌پندارد (بکاریا، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۸۴). اما درست برعکس، اطاله دادرسی و تأخیر در کشف جرم یا کشف نشدن آن و نیز تأخیر در صدور حکم و اجرای مجازات می‌تواند نتایج زیان‌باری داشته باشد که یکی از آنها افزایش سرسام‌آور جرایم است؛ زیرا وقتی افرادی به گونه‌ای با تضییع حق مواجه می‌شوند و برای دادخواهی به دادگستری مراجعه می‌کنند و می‌شنوند اولین جلسه دادگاه شش ماه یا یک سال بعد است، به این نتیجه می‌رسند که نظام عدالت کیفری برای پیگیری حقوق‌شان مسیر درستی نیست؛ در نتیجه ممکن است یکی از واکنش‌های زیر را بروز دهند: الف) از حق خود به صورت کامل صرف نظر می‌کنند که این خود سبب تشویق و جری شدن بزهکاران بالفعل و بالقوه است؛ ب) درصدد احقاق حق از طریق تسویه حساب‌های شخصی هستند که این نیز نزاع بیشتر و جرم بیشتر را به دنبال دارد؛ ج) خود اقدام به اعمال مجرمانه از قبیل گروگان‌گیری‌ها، سرقت متقابل، تصرف عدوانی و تخریب یا حتی قتل می‌کنند (زحمتکش، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۲۷). از سوی دیگر، سرعت در دادرسی به همان اندازه که باب میل خواهان است و نقش عمده در کاهش و پیشگیری از جرایم دارد، درست به همان اندازه اطاله دادرسی به معنای عام آن، باب میل خوانده و مجرمان است که از فرصت به دست آمده نهایت حق‌کشی‌ها را می‌کند؛ از این رو در مجازات‌های اسلامی نیز به آن تأکید شده است. تا آنجا که در مجازات‌های حدی، بسان قاعده عام «لا تأخیر فی الحدود مع القدره علی اقامته» (اصفهانی و فاضل هندی، ۱۴۱۶ ه.ج ۱۰، ص ۴۹۱) مورد تأکید واقع شده است.

سرعت در رسیدگی در سخنان حکمیانه رهبر انقلاب نیز به خوبی اشاره شده است؛ از جمله ایشان سرعت در رسیدگی را یکی از ارکان قوه قضاییه و این‌گونه بدان تأکید کرده‌اند: «تلاش‌هایی که برای تسریع در رسیدگی به مراجعات و پرونده‌ها انجام گرفته است، کارهای بارزشی است؛ امیدواریم این تلاش‌ها ادامه پیدا بکند و مراجعه مردم به قوه قضاییه با اثری که این مراجعه دارد، تعیین تکلیف و احیاناً مجازات متخلف فاصله کمی داشته باشد که مردم

به مجرد مراجعه، احساس بکنند اثر را در فاصله زمانی معقول مشاهده می‌کنند ... باید ادامه پیدا کند که از ارکان کمال قوه قضاییه، یکی همین سرعت رسیدگی است» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۹۱۴). همان طور که به درستی رهبر انقلاب اشاره فرموده‌اند، در کنار اقتدار و شفافیت، یکی دیگر از ارکان قوه قضاییه سرعت در رسیدگی است که از یک سو سبب دلگرمی مردم به قوه قضاییه و از سوی دیگر ترس و وحشت در دل بزه‌کاران بالقوه و بالفعل می‌شود که همین ترس، نقش کلیدی در تصمیم‌گیری‌های مجرمانه دارد. البته ناگفته نماند سرعت به تنهایی ملاک نیست، بلکه چه بسا ممکن است سرعت به‌تنهایی زیان بار نیز باشد؛ بنابراین در دادرسی معمولاً از فاصله زمانی معقول به جای سرعت استفاده می‌شود (صابر و ناظریان، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۵۰). بر همین اساس مقام معظم رهبری در جایی دیگر با اشراف به نکته فوق در کنار سرعت، دقت را نیز این‌گونه مورد توجه قرار داده و فرموده است: «لازم است آقایان محترم به طور خاص نسبت به میزان دقت و سرعت عمل در رسیدگی بر پرونده‌ها و نیز انطباق احکام صادره دادگاه‌ها با قوانین کشور و ضوابط شرع مقدس بررسی نمونه‌ای به عمل آورد» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۹۱۷). واژه‌های «دقت» در کنار واژه «سرعت» و نیز عبارت «انطباق احکام صادره دادگاه‌ها با قوانین کشور و ضوابط شرع مقدس» همه نشان می‌دهد که نباید دقت را فدای سرعت کرد؛ چنان‌که در جایی دیگر به خوبی به تفاوت این دو مورد پرداخته شده است: «سرعت غیر از عجله است؛ سرعت عمل با شتاب‌زدگی و عجله تفاوت دارد ... مسئله اطاله دادرسی بایستی مورد توجه قرار بگیرد» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۹۲۰). بنابراین رسیدگی به داد‌خواهان در فاصله زمانی معقول، می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از بزه داشته باشد.

۲-۱-۲. دقت

اگر دستگاه عدالت کیفری بتواند به وظیفه خودش که همانا تأمین عدالت و به‌سزاساندن مجرمان و هنجارشکنان است، به درستی عمل کند و یاور هر مظلومی باشد که مورد ستم قرار

گرفته است، نوعی پیشگیری از جرم است؛ زیرا خود نوعی بازدارندگی عام ایجاد می‌کند و این پیام را به بزهکاران بالقوه منتقل می‌نماید که قصد ارتکاب جرم در آینده را دارند که اگر مرتکب جرم شوند، به یقین مجازات خواهند شد. این نکته دقیق در کلمات رهبر معظم انقلاب مورد توجه واقع شده است: «اگر اجرای عدالت به شکل دقیق انجام گرفت، ظلم در جامعه اتفاق نمی‌افتد». این فرمایش مقام معظم رهبری مبتنی بر اصول دقیق پیشگیری است که در جرم‌شناسی ذیل بحث پیشگیری وضعی بیان شده است. بر اساس دو نظریه عمل مجرمانه یعنی انتخاب عقلانی (Rational choice theory) و فعالیت‌های روزمره (Routine Activity theory) می‌توان به طور دقیق آن را تبیین کرد. بر اساس نظریه نخست، فرد مجرم حسابگری است که قبل از اقدام، دست به سنجش می‌زند. اگر منافع جرم بر هزینه آن سنگینی کند، دست به جرم خواهد زد. بنابراین چنان‌که معظم‌له فرموده است، دستگاه عدالت کیفری باید با اجرای دقیق عدالت چنان چشمان تیزبینی داشته باشد که مجرمان بالفعل و بالقوه خطر دستگیری، احتمال عدم فروش اموال مسروقه، تخریب مال مسروقه و ... را بیش از فایده آن ارزیابی کنند تا از اندیشه مجرمانه خود منصرف شوند. بر اساس نظریه دوم در صورت اجتماع سه عنصر فرد مصمم، بزه‌دیده مناسب و نبود حفاظت، خطر ارتکاب جرایم افزایش خواهد یافت (جندلی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۸۷). شاید نتوان در بی‌دقتی‌ها و کاهلی بزه‌دیده که عنصر سوم را شکل می‌دهد، جایگاهی قابل توجه برای پیشگیری در نظام عدالت کیفری در نظر گرفت؛ اما در فقدان آن یا وجود دو عنصر دیگر، بی‌شک می‌توان به طور کلی جایگاه مهم دستگاه قضا را مدنظر قرار داد؛ چراکه گذر از اندیشه‌های مجرمانه به عمل، در بسیاری از موارد ناشی از عدم اجرای درست عدالت است که اگر این مهم به درستی انجام شود، در تصمیم‌گیری‌های بزهکارانه مؤثر است؛ زیرا آماج جرم به صورت بالقوه واجد محافظت قوی می‌شود که می‌تواند مجرمان زیادی را در تصمیم‌های مجرمانه به تجدید تصمیم وادار کند. چنان‌که مقام معظم رهبری فرموده است: «اگر مجرم کما حقّه تعقیب شد و مّرّ حق و عدل درباره او جاری شد، کسی به جرم گرایش پیدا نمی‌کند؛ این یک امر قهری است». اینکه چطور می‌توان دقیق بودن

را در مقام عمل پیاده کرد و مردم و آحاد جامعه آن را حس خواهند کرد، از شیوه‌های گوناگونی قابل پیگیری است که انتشار آمار پرونده‌های رسیدگی شده به تفکیک استان‌ها یا به تفکیک جرایم در بازه‌های زمانی مختلف، یکی از آنهاست. شیوه دیگری که بیش از مقام مقام معظم رهبری بدان تأکید می‌کنند، نظارت قضایی است که نباید از آن غافل شد. این نظارت می‌تواند از طریق گزارش‌های مردمی تکمیل شود؛ امری که در بیانات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۹ خطاب به مسئولان قضایی این‌گونه تأکید شده است: «یکی از عواملی که می‌تواند شما را در این راه کمک کند، گزارش‌های مردمی است؛ وقتی مردم به شما گزارش دادند در زمینه مسائل مربوط به فساد، شما می‌توانید از آن استفاده کنید و بهره ببرید». در صورتی می‌توان از نقش پیشگیرانه رسیدگی به پرونده‌ها در فرصت زمانی معقول با دقت قابل قبول سخن گفت که به همه کنشگران بزهکاری همسان نگریسته شود.

۲-۱-۳. عدالت در دادرسی

نقش قوه قضاییه در پیشگیری کیفری از بزهکاری همچنان که سرعت با وجود دقت یا همان رسیدگی در مهلت معقول را مهم می‌نماید، جلوگیری از تبعیض ناروا در برخورد با بزهکاران را نیز دارای اهمیت قلمداد می‌کند. برخورد نایکسان با بزهکاران و تفکیک قائل شدن بین توانگران و ضعیفان در روایات به عنوان عامل هلاکت امت‌های سابق بیان شده است؛ چنان‌که در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است: «إنما هلك من كان قبلکم بمثل هذا، كانوا یقیمون الحدود علی ضعفائهم، و یترکون اقویاءهم و اشرافهم فهلکوا: امت‌های پیش از شما به همین دلیل هلاک شدند. آنها مجازات‌ها را بر ضعیفان اجرا می‌کردند و توانگران و اشراف را به حال خود رها می‌کردند» (نوری، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱۸، ص ۷). مقام معظم رهبری درباره اجرای همگانی عدالت و همسانی همه در برابر قانون این‌گونه فرموده است: «این غلط است که اگر مجرم به یک مجموعه سیاسی وابسته باشد، در مقابل او کوتاه آمد؛ چرا چون اگر مجرمیت او مورد تأکید قوه قضاییه قرار بگیرد، جنجال خواهد شد» (معاونت آموزش قوه

قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۹۶۸). در بیانی دیگر ضمن اشاره به قانون اساسی و یکسان بودن همگان در برابر قانون می‌فرماید: «در قانون اساسی، رهبری، رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه و دیگر مسئولان کشور، با آحاد مردم در قبال قوانین هیچ تفاوتی ندارند. هیچ‌کس بالاتر از قانون نیست» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۸۸۳).

برخورد یکسان با بزهکاران به‌ویژه بزهکاران دانه‌درشت یا به تعبیر مقام معظم رهبری، گلوگاه‌های فساد با در نظر داشت اعمال یکسان قانون همه امکان‌پذیر است: «قوه قضاییه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرمین و خائنان و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۳۷۹). همسان‌انگاری همه در برابر قانون در برابر برخی گروه‌ها و افراد نقش پیشگیرانه بیشتری دارد. در رأس این هرم می‌توان مقامات بلندپایه، مقامات حکومتی و بستگان آنها را قرار داد. در این میان مهم‌تر از همه برخورد با مسئولان فاسد دستگاه عدالت کیفری به‌ویژه قضات است. از آنجا که قضات نقش مستقیم در اجرای عدالت کیفری دارند و مستقیم با جامعه به‌ویژه بزهکاران و قربانیان در ارتباط هستند، ضریب نقش پیشگیرانه اجرای همسان عدالت درباره این دسته از افراد چند برابر دیگر افراد است؛ چرا که «آن دادستان و حاکم شرعی که به خاطر تخلف آنجا کتک می‌خورد، بعد که پشت مسند قضا نشست، خواهد گفت ببینید، مسئله قوه قضاییه این است؛ من حتی فاسد شدم، با من این کار را کردند. بنابراین خودش دیگر اشتباه نمی‌کند ... با اعمال این قاطعیت دیگران هم خواهند گفت که ببینید قوه قضاییه این است» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۷۱۵).

۲-۲. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پیشگیری غیرکیفری در اندیشه رهبری

ممکن است در نقش پیشگیرانه مجازات‌ها یا اقدامات قهرآمیز تردید کرد؛ زیرا هدف اولیه آنها سزاداری است و به پیشگیری جز به صورت هدف دست‌چندم تبعی آن هم از رهگذر عبرت‌انگیزی عام یا خاص نگریسته نمی‌شود؛ از این رو برخی جرم‌شناسان باورمند به اعطای

نقش پیشگیرانه به اقداماتی هستند که سرکوبگر و قهرآمیز قلمداد نشوند (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۲۱). بنابراین وقتی سخن از پیشگیری مطرح می‌شود، اغلب اقدامات غیرقهرآمیز و غیرکیفری به ذهن متبادر می‌شود که در ادامه اشاره می‌شود.

۲-۱-۲. هنجارسازی فرهنگی

فرهنگ و حقوق در یک کنش و واکنش متقابل در تعالی یکدیگر تأثیرگذار است. در نقش‌آفرینی فرهنگ در کاهش و پیشگیری از جرایم، محورهای ذیل قابل توجه هستند: فرهنگ می‌تواند با آگاهی‌بخشی، مردم را به سمت زندگی قانونمند سوق دهد. چنان‌که فرهنگ می‌تواند با نقش هنجارسازی خود، ارزش‌هایی را که در قالب حقوق کیفری مطرح می‌شود، به عنوان هنجارهای مورد احترام بیشتر جامعه نهادینه کند و تخطی از آنها را به عنوان اقدام ضد ارزشی به مردم بقبولاند. همچنان‌که می‌توان از نقش بی‌بدیل فرهنگ در بسترسازی و نهادسازی سخن گفت؛ برای نمونه احیا و ایجاد یا پررنگ کردن سمن‌ها برای کاهش و پیشگیری از جرایم که زمینه آن توسط فرهنگ‌سازی فراهم می‌شود، از همین قبیل است. در پیشگیری نرم یا غیرکیفری که بارزترین مصداق آن هنجارسازی فرهنگی است نیز نقش دستگاه قضایی مهم است. هرچند نقش هنجارسازی فرهنگی در پیشگیری از جرم در همه جرایم همواره همسان نیست؛ چراکه آسیب‌های اجتماعی بسیار گسترده و دارای عللی متفاوت و گاهی متهاافت هستند. اما در این میان آسیب‌هایی نظیر اعتیاد و جرایم ناشی از آن، فرار از خانه، خشونت‌های خانگی، ناهنجاری‌های رفتاری، سرقت‌های به عنف و ساده و کودک‌آزاری از جمله آسیب‌هایی هستند که فرهنگ‌سازی نقش بسیار مهمی در پیشگیری از آنها دارد؛ زیرا فرهنگ‌سازی می‌تواند از طریق ایجاد تحول در بستر، آماده‌سازی بزه‌دیده در خودمراقبتی، تلنگر بزه‌کار به افزایش هزینه‌های جرم نقش مهمی در سه عنصر از چهار عنصر جرم ایفا کند (رجبی، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۳۳). یکی از بسترهایی که فرهنگ

می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری را در نهادینه‌کردن ارزش‌ها داشته باشد، رسانه است؛ زیرا تب آماری دیگر حوزه‌های فرهنگی نظیر کتابخوانی در برابر رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های تصویری به شدت کاهش یافته است؛ به‌ویژه گروه سنی جوانان و نوجوانان ساعاتی که پای تلویزیون می‌نشینند، کم نیستند. بنابراین چه جایی بهتر از این عرصه فراگیر برای ترویج ارزش‌های اخلاقی و آموختن غیرمستقیم اخلاق مؤثر در پیشگیری از جرم (شاه جهانپور، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۶۲). البته هنجارسازی فرهنگی ابعاد گسترده‌ای دارد؛ یک بعد اینکه محتوایی که به مثابه غذای فکری و روحی جامعه است و از سوی رسانه به جامعه داده می‌شود، باید سالم باشد؛ اما اگر ناسالم باشد، طوری که افراد از کودکی عادت به دیدن صحنه‌های خشن داشته باشند یا وقتی جوانی می‌بیند ستاره سینمایی محبوبش به راحتی قانون‌گریزی و قانون‌شکنی می‌کند و رسانه‌ها هم ضد ارزش او را ارزش بیان می‌کنند؟ آیا راهی جز تسلیم شدن در برابر جرم برایش باقی می‌ماند؟ (شاه جهانپور، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۶۲). بعد دیگر که در بیان مقام معظم رهبری نیز اشاره شده است، اینکه از ظرفیت رسانه برای استحکام جایگاه قوه قضاییه به خوبی استفاده شود به‌ویژه فیلم‌های سینمایی و تولیدات تلویزیونی؛ چنان‌که در کشورهای غربی جایگاه قاضی را جایگاه سالم، خدشه‌ناپذیر، تأثیرناپذیر، عاقل و عادل و بصیر نشان می‌دهد. [در ایران نیز باید چنین باشد] این برای این است که کسی که به دستگاه قضایی مراجعه می‌کند با اطمینان خاطر مراجعه کند (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۳۳۵). مراجعه بی‌دغدغه مردم به قوه قضاییه و رسیدگی در فاصله زمانی معقول می‌تواند سبب دلگرمی بزه‌دیدگان شود. اما برعکس طی کردن هفت‌خوان رستم و نرسیدن به نتیجه مطلوب پس از صرف هزینه‌های سنگین یا دیر به نتیجه رسیدن، زمینه را برای مجرم شدن بیشتر افراد فراهم می‌کند. هرچند بر اساس اظهارات سخنگوی وقت قوه قضاییه، فرهنگ‌سازی برای مردم و رعایت قوانین و مقررات به نوعی وظیفه قوه قضاییه نیست؛ اما به خوبی معلوم است که اجرای صحیح قوانین و برقراری عدالت و نظم، بهترین نوع نهادینه‌کردن قوانین از رهگذر فرهنگ‌سازی از سوی دستگاه قضایی است؛ برای مثال عملکرد ضعیف قوه قضاییه در

برخورد با جرایم رانندگی یکی از عوامل افزایش جرایم این حوزه دانسته شده است. تا آنجا که به جای نهادینه کردن فرهنگ درست رانندگی برای کاهش جرایم ناشی از تصادفات، «فرهنگ بزنی درو» نهادینه شده است. این تنها یکی از مصادیقی است که نقش فرهنگ سازی از سوی قوه قضاییه در کاهش یا افزایش جرایم در آن برانزده شده است.

۲-۲-۲. بصیرت آفرینی

هرچند نبود آگاهی از محتوای قانون طبق ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی مانع از اعمال مجازات نیست، اطلاع رسانی به مردم و آحاد جامعه می تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرایم ایفا کند. یکی از وظایف مهم قوه قضاییه، آگاهی بخشی و اطلاع رسانی به مردم است. چنان که مقام معظم رهبری این گونه بدان اشاره فرموده است: «تبیین حقیقت و اطلاع رسانی به افکار عمومی هم مهم است. این را هم نباید فراموش کرد. نباید مردم را در ابهام باقی گذاشت» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۳۳۹). افزون بر ساختن برنامه های تبلیغاتی که محتوای قوانین را به اطلاع مردم می رساند و مهم تر از آنکه تأثیر چند برابری در پیشگیری از جرم ایفا می کند، اطلاع رسانی از محتوای پرونده های کیفری و نیز نقاط قوتی که از رهگذر سرعت، دقت و همسانی در آنها لحاظ شده است، تأثیرگذار خواهد بود. ولی امر مسلمین این گونه می فرماید: «چه اشکالی دارد که مثلاً بعضی محاکمه های خوب و حوادث قضایی را از سراسر کشور بیاورند و قسمت هایی از آن را بگذارید تا مردم بشنوند؛ مثلاً فردی که خلافی کرده، اما ظرف چهل و هشت ساعت دستگیر می شود و تحویل محاکم قضایی می گردد» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۳۴۰). این شیوه اطلاع رسانی افزون بر شفافیت در کار قوه، قوت قلبی برای مظلومان و تلنگری برای مجرمان و هنجار شکنان است؛ همچنین اطلاع رسانی های به این ترتیب در استحکام قوه قضاییه و در نتیجه در پیشگیری از جرم مهم است. با این وجود پرواضح است که فقط اطلاع رسانی نمی تواند تمام کار باشد؛ زیرا مسئله پیشگیری از جرم مسئله بسیار دقیق و علمی است که

در نوع انتخاب پرونده‌ها برای اطلاع‌رسانی باید کارشناسانه و آگاهانه انتخاب شود. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان قضایی بیان‌کننده همین اهمیت است: «مسئله پیشگیری از جرم خیلی مهم است یک بخشی از قوه قضاییه را معین می‌کنیم برای پیشگیری، خوب است، لازم است؛ لکن پیشگیری یک کار بسیار وسیعی است. باید جرم را بشناسید، علل جرم را بشناسید، عواملی که جرم را ایجاد می‌کنند بشناسید، کارهای که می‌تواند از وقوع جرم جلوگیری کند بشناسید؛ یک فصل عظیمی از کار اینجا وجود دارد».^۶ سخنان حکیمانه رهبر انقلاب بیان از این نکته بسیار مهم است که اقدامات قوه قضاییه برای پیشگیری از جرم توسط جرم‌شناسان خبره انجام شود تا بتواند نتیجه مطلوب که رسیدن به قضاوت اسلامی است، حاصل شود. با توجه به همین هدف ایشان فرموده است: «هرکدام از این کارها هم یک کننده کار لازم دارد؛ نمی‌شود همین جوری مثلاً بگوییم یک کمیته‌ای، فرض کنید به قول ما یک هیئتی گذاشته‌ایم برای کار؛ نه اینها باید دانه دانه دنبال بشود» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۳۴۰). البته باید توجه داشت حسن اطلاع‌رسانی زمانی است که حکم صادر شود و پرونده مختومه شده باشد، وگرنه «جنجال تبلیغاتی نسبت به کاری که هنوز انجام نگرفته است، نه فقط مفید فایده نیست، بلکه ضررهایی هم ایجاد می‌کند. لذا باید افکار عمومی را مطلع کرد و اطلاع‌رسانی صحیح و درست انجام داد؛ لیکن اطلاع‌رسانی بهنگام، بجای و به شکل متین و صحیح» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۳۳۳).

نکته کلیدی در نقش اطلاع‌رسانی در پیشگیری و کاهش جرایم در این است که وقتی افکار عمومی آگاهی پیدا کند قوه قضاییه با کسی در امر مبارزه با جرم و فساد تعارف ندارد و همه را در نگاه همسان اعمال قوانین می‌بیند، از شیوع پدیده شوم بزهکاری کاسته خواهد شد؛ چنان‌که نقطه مقابل آن نیز درست است. بدین معنا که شایعه‌پراکنی که در قرآن مطابق آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۲۴: ۱۹) از آن به شدت نهی شده است، به این دلیل است که شایعه‌پراکنی

سبب بدبینی مردم می‌شود. مقام معظم رهبری دربارهٔ موضع‌گیری بجا و دقیق مسئولان دولتی و قضایی در مقابل این نوع جریان‌ها و افراد این‌گونه هشدار می‌دهد: «مسئولان قضایی و دولتی باید با کسانی که شایعه‌پراکنی می‌کنند و دروغ به خورد مردم می‌دهند، برخورد کنند. تعجب این است؛ بعضی‌ها با حرکت مبارزه با فساد هیچ همراهی نمی‌کنند، بلکه با آن معارضة هم می‌کنند. همین‌ها شایعهٔ فساد فراگیر را منتشر می‌کنند؛ یعنی هم مردم را بدبین می‌نمایند که گویا الان موج فساد همه جا را فرا گرفته است؛ هم عملاً در مبارزهٔ با فساد در همانجاهایی که فساد هست اخلال می‌کند» (قوه قضاییه معاون آموزش، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۳۳۴). معلوم است ایجاد چنین فضایی چه قوت قلب و دلگرمی به مجرمان فعلی می‌دهد؛ چراکه گسترش این نوع شایعه‌ها سبب ارائه تصویر مخدوش و نا کارآمد از قوه قضاییه می‌شود. ارائه چنین تصویری یعنی فراهم کردن فرصت عرض اندام به مجرمان که همچو کرکس‌ها درصدد پرکردن شکم‌هایشان از مال‌های حرام هستند.

۳. بازپروری بزهکاران در اندیشه رهبری

۳-۱. تنبیه و تشویق

یکی از شیوه‌های بازپروری بزهکاران، تشویق قانون‌مداران است؛ تشویقی که مبتنی بر سنت قطعی خداوند متعال است که پاداش را بر قانون‌مداری و کیفر را بر نافرمانی قرار داده است. امام علی (ع) به این اصل مهم واکنش‌سازانه در برابر جرم چنین اشاره کرده است: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَتَذْرِيبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ: هرگز نباید افراد پاسدار ارزش‌ها و بزهکاران در نظرت یکسان باشند؛ زیرا این کار سبب می‌شود نیکوکاران به نیکی‌ها بی‌رغبت شوند و بدکاران به اعمال بد تشویق گردند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین برای انگیزه‌دادن به افراد نیکوکار بر تداوم فعالیت‌های سازنده و ارزشی از یک سو و تشویق افراد کم‌تحرک و حتی جامعه‌ستیز

برای دست‌کشیدن از فعالیت‌های جامعه‌ستیزانه و پیوستن آنان به خیل افراد نیکوسرشت از سوی دیگر، تشویق افراد نیکوکار ضروری است. بنابراین در سیاست جنایی اسلام به این اصل مهم روان‌شناسانه به گونه ظریفی توجه شده است؛ تشویق افراد قانون‌مدار در برابر اجرای وظیفه‌شان، همچنان‌که باعث فزونی انگیزه آنان می‌شود، سبب رنجش خاطر بزهکاران و قانون‌شکنان نیز می‌گردد. امام علی (ع) در بیان نورانی دیگری به این مهم این‌گونه اشاره می‌کند: «انی از جر المسی بثواب المحسن: من بدکاران را با پاداشی که به قانون‌مداران و نیکوکاران می‌دهم، مجازات می‌کنم» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۷). مقام معظم رهبری نیز در بیانی حکیمانه به تشویق و تنبیه در جایگاه یک اصل تأکید کرده‌اند.^۸ ایشان در جای دیگر درباره تنبیه و تشویق بزهکاران این‌گونه می‌فرماید: «تنبیه را عرض کردیم، تشویق هم باید بشوند. ببینید واقعاً بعضی‌ها هستند، آدم می‌بیند. یعنی می‌داند؛ می‌بیند که حالا [درست نیست چون] ما از دور اطلاع پیدا می‌کنیم. واقعاً تلاش می‌کنند، واقعاً زحمت می‌کشند، در مواردی وقت استراحتشان را هم به رسیدگی‌های قضایی صرف می‌کنند؛ خب اینها شناسایی بشوند، تشویق بشوند؛ حالا با انواع تشویق. تشویق فقط تشویق مالی نیست؛ تشویق آبرویی هست، تشویق معرفی کردن و مانند اینها هست؛ بالاخره تشویق بشوند...». هرچند مخاطب این بیانات، مسئولان قضایی است؛ پرواضح است که می‌توان به دیگر قانون‌مداران و مجرمان نیز تعمیم داد؛ چراکه مسئولان قضایی از این نظر دارای هیچ ویژگی خاصی نیستند. متأسفانه بیشتر چنین پنداشته می‌شود که قانون‌مداری وظیفه فرد است و از این رو درخور تحسین و تشویق نیست و اگر کسی خطا کرد و قانون را مراعات نکرد، باید مجازات شود؛ ولی اگر عمل به وظیفه کرد هیچ. حقیقت این است که هرچند فرد وظیفه قانون‌مداری دارد، اگر به دلیل ایفای وظیفه، تشویقی شایسته شود، تشویقی که قانون‌شکنان نیز آرزوی دستیابی به آن را دارند، نوعی آزار روانی برای قانون‌شکنان خواهد بود؛ در نتیجه آنها را به طور غیرمستقیم به بازگشت به دامن پرمهر اجتماع تشویق خواهد کرد.

۳-۲. اجرای دقیق عدالت

یکی از اموری که سبب بازگشت بزه‌کاران و مجرمان به آغوش جامعه می‌شود، اجرای دقیق عدالت است. فردی که در دادگاه در جایگاه مجرم محاکمه می‌شود، ممکن است در ظاهر ناراحت شود؛ اما همین فرد وقتی ببیند عدالت به دقت در نظام اسلام اجرا می‌شود، در آینده سبب اصلاح و بازپروری او خواهد شد. مقام معظم رهبری به این نکته دقیق در یکی از دیدارها با مقامات قوه قضاییه این‌گونه اشاره می‌کنند: «وقتی ما عدالت را اجرا کنیم، درست است که در قضاوت ما یک نفر خرسند خواهد شد، یک نفر ناخرسند - قهراً این جور است دیگر. وقتی انسان قضاوت می‌کند، یک طرف را خرسند می‌کند، یک طرف را ناخرسند می‌کند؛ اما حتی آن طرف ناخرسند هم در دل خود راضی است». البته نباید پنداشت که دستگاه قضایی به دنبال جلب رضایت بزه‌کار است، بلکه صرف اجرای مرقانون با نگاه اصلاح‌گرایانه رضایت درونی فرد بزه‌کار را به دنبال دارد که همین مسئله می‌تواند از شکل‌گیری عقده‌هایی جلوگیری کند که ناعدالتی‌ها را در ذهن بزه‌کار ایجاد می‌نماید. در سمت مقابل، اجرانشدن عدالت می‌تواند نتیجه کاملاً برعکس داشته باشد؛ برای مثال ممکن است بی‌عدالتی سبب خوشحالی فردی شود که به ناحق رأی دادگاه در حق او صادر شده است؛ ولی در واقع این آسیب افزون بر لکه دار کردن وجهه دستگاه عدالت کیفری، سبب جری شدن بزه‌کار و هموار کردن مسیر بزه‌کاری آینده او باشد؛ چراکه باعث نترسی او می‌شود و اینکه او می‌داند هرچند بار دلش بخواهد، می‌تواند مرتکب بزه شود؛ زیرا با مجازاتی روبرو نخواهد شد. به تعبیر مقام معظم رهبری «آن کسی هم که حکم ما به سود او بوده است، در دل به ما بایی اعتقادی، با استهزا نگاه خواهد کرد؛ در دل به ما خواهد خندید». یکی از حوزه‌هایی که اجرای دقیق عدالت و تأثیر قابل توجه در اصلاح و بازپروری بزه‌کاران دارد، شدت عمل و رفتاری اغماض با کارمندان متخلف یا به عبارت دیگر بزه‌کاران دستگاه قضایی به ویژه شخص قاضی است. «باید نسبت به قاضی دقت و رعایتی بیش از انسان معمولی کوچه و بازار انجام گیرد، حتی بیش از کارکنان دولت. هرچند کارکنان دولت هم امنای مردم هستند؛ اما داستان قاضی، داستان ویژه و دیگری است» (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸ ه. ش، ص

۷۲۹). نیز می‌توان افزود که تأکید اسلام بر عدالت قاضی، پدیده‌ای فقط فردی بدون آثار حقوقی و جزایی نیست. از این مسئله که قاضی باید در قله‌های اخلاقی قرار داشته باشد، می‌توان فهمید که اسلام در مواجهه با جرم و پیشگیری از ارتکاب مجدد آن، برای اخلاق حسابی ویژه گشوده است؛ بنابراین اگر بتوان فضای دادرسی را از حیث ظاهری و محتوایی با فضایل و جلوه‌های اخلاقی اشباع نمود، می‌توان نقش اخلاق در پیشگیری از جرم را نیز ارتقا داد (حاجی ده‌آبادی و قبادیان، ۱۳۹۵ هـ.ش، ص ۱۳۱).

۳-۳. احیای شوراهای حل اختلاف

بزهکار، بزه‌دیده و جامعه محلی کشنگران اصلی عدالت ترمیمی را شکل می‌دهند. اعطای نقش به بزهکار در الگوواره عدالت ترمیمی، به بزهکار این امکان را می‌دهد که با شرکت در برنامه‌های ترمیمی، از صدمه‌هایی که به قربانی جرم وارد شده است، آگاه شود و به سمت قبول مسئولیت در برابر صدمات وارد شده حرکت کند. افزون بر اینکه گام‌های مهمی برای رفع اختلاف و مهم‌تر از آن تصحیح کنش رفتار مجرمانه خود بردارد. نقطه قوت این نوع الگو آن است که بزهکار داوطلبانه برای ترمیم خسارات و اصلاح خود اقدام می‌کند (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۱۹۷). در آیین حیات بخش اسلام نیز مؤلفه‌های عدالت ترمیمی از جمله شرکت دادن بزهکار برای خوداصلاحی و جبران مافات تأکید شده است که یکی از مصادیق آن اصلاح ذات‌البین است. اصلاح ذات‌البین در آیات متعددی از قرآن از جمله «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال ۱:۸)، «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات ۹:۴۹-۱۰) بیان شده است. بر اساس مفاد این آیات، در صورت وقوع نزاع و کشمکش میان مسلمانان، بر دیگر مسلمانان لازم است بین آنها صلح و سازش دهند. یکی از راه‌هایی که امروزه می‌تواند سدّ راه سقوط دوباره بزهکاران در ورطه بزهکاری با اصلاح ذات‌البین شود، احیای شورای حل اختلاف و تسریع در روند ایجاد صلح و سازش از طریق آنها میان بزهکار و بزه‌دیده است.

استفاده از نقش بارز شوراهای حل اختلاف و دیگر سمن‌ها برای اصلاح و بازپروری بزهکاران مورد تأکید قانون‌گذار نیز قرار گرفته است؛ چنان‌که در ماده ۳ بند ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم (مصوب ۱۳۹۴/۶/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) از جمله وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آنها دانسته شده است. در بند ۵ این ماده به صراحت به اصلاح و بازپروری بزهکاران و اتخاذ سیاست‌های موردنیاز برای حمایت از بزه‌دیدگان و محکومان و خانواده آنان و اصلاح جامعه‌پذیری محکومان و برخورداری آنان از زندگی شرافتمندانه پرداخته شده است. به نظر می‌رسد از دیدگاه سیاست‌گذار کلان نظام اسلامی ایران، یکی از ساده‌ترین و با وجود این تأثیرگذارترین راه‌ها برای بازپروری بزهکاران و بازگشت آنان به آغوش جامعه و خانواده، مسیری است که از دل سازمان‌های مردمی می‌گذرد. همچنان‌که در ماده ۵ قانون پیشگیری یکی از مسیرهای قابل پیمودن توسط دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم را «شناسایی راه‌های جلب مشارکت مردمی و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و مقررات و مصوبات شورا [ای عالی پیشگیری از وقوع جرم] دانسته شده است». بازاجتماعی کردن بزهکاران و کاستن از تب‌آماري بالای بزهکاری در جامعه از این رهگذر از منویات مهم مقام معظم رهبری نیز بوده است. ایشان در دیدار با مسئولان قضایی در سال ۱۳۹۴، ترویج فرهنگ صلح و سازش در جامعه و آسیب‌شناسی و تقویت شوراهای حل اختلاف را در افزایش نیافتن تعداد زندانیان مؤثر خواندند. بنابراین تقویت نقش شوراهای حل اختلاف، مسیر بازگشت پرپیچ‌وخم بزهکاران را در جامعه هموار می‌کند. یکی از دلایل سهولت جلوگیری از صعوبت انگ مجرمیت خوردن به پیشانی بزهکاران، شوراهای حل اخلاف است؛ زیرا در صورت پیمودن رسیدگی از طریق دادگاه‌ها، انگ مجرمیت و سابقه سوءکیفری برای بزهکاران امری ناگزیر است که همین مسئله می‌تواند اصلاح بزهکاران را با دشواری‌های فروان مواجه سازد. هرچند همان اندازه که پذیرش

کلیت نظریه برچسب زنی نسبت به عدم اصلاح تمام مجرمان سخت و دشوار است، درست به همان اندازه مستند کردن وقوع تمام جرایم به این نظریه نپذیرفتنی است. اما به صورت اغلب، در طیف قابل توجهی از مجرمان می توان از سهولت اصلاح و بازپروری بزهکاران که این نوع برچسب ها را دریافت نکرده اند دفاع نمود. این نکته را نیز نباید از خاطر دور داشت که همه بزهکاران اصلاح پذیر نیستند؛ همچنان که همه جرایم در شوراهای حل اختلاف قابل رسیدگی نیستند؛ از این رو برای بازاجتماعی کردن دیگر مجرمان باید مسیرهای دیگری را پیمود. عفو یکی از نهادهایی است که برای برخی مجرمان قابل استفاده است.

۳-۴. عفو

بازپروری بزهکاران شیوه های مختلفی دارد که در آیین حیات بخش اسلام تأکید شده است و رهنمودهایی از سوی شارع مقدس برای آن بیان گردیده است. یکی از شیوه هایی که در تأثیرگذاری کمتر از سایر روش ها نیست، عفو و گذشت بزهکاران است. گستره استفاده از این شیوه می تواند بسیاری از جرایم را دربرگیرد؛ همان طوری از عفو بزهکار توسط بزه دیده یعنی افراد جامعه تمجید شده است. عفو بزهکار از سوی حاکم شرع نیز تأکید شده است؛ اما هر دو نوع عفو می تواند برخی از بزهکاران جنبه اصلاح گرانه داشته باشد؛ هر چند اینجا قسم دوم عفو، یعنی عفو حاکم شرع بیشتر مورد تأکید است. بجاست به این نکته تأکید کرد که آموزه عفو به هر بزهکار و هر جرمی اعمال شدنی نیست؛ چنان که در بیانی زیبا از امام علی (ع) آمده است: «رُبَّ ذَنْبٍ مِقْدَارُ الْعُقُوبَةِ عَلَيْهِ إِعْلَامُ الْمُذْنِبِ بِهِ: چه بسا گناهی که اندازه مجازات آن، آگاه کردن خطاکار از آن است» (لیثی واسطی، [بی تا]، ص ۲۶۷، ح ۴۸۹۷). در برخی (نه در همه) موارد صرف اعلام جرم بودن یک عمل به بزهکار که به نوعی احترام گذاشتن به شخصیت اجتماعی و جایگاه فردی اوست، تأثیر اصلاحی بهتری به بزهکار دارد؛ زیرا باعث می شود فرد بزهکار به نوعی خود را مدیون الطاف حاکم شرع و حاکمیت بداند که بزرگوارانه او را مشمول رأفت اسلامی قرار داده است (رجایی، ۱۳۸۴ ه. ش، ص ۵۸). در بیان دیگر، امام علی به امام

حسن (ع) فرمود: «اگر یکی از شما خطایی مرتکب شد، عفو همراه با عدالت ضربه‌اش مؤثرتر از مجازات است. البته به کسانی که دارای عقل هستند» (رفیعی، ۱۳۷۱ ه.ش). واژه «صاحبان عقل» در این روایت و واژه «رب ذنب» در روایت قبل، به خوبی به این نکته اشاره دارد که عفو برای افرادی تأثیرگذار است که قدر و اهمیت عفو و رأفت اسلامی را بدانند؛ یعنی خودشان را بدهکار حاکمیت بدانند، وگرنه اگر از افرادی باشند که عفو باعث جری شدن آنها می‌شود یا از این آموزه سوءاستفاده می‌شود و درواقع از این امتیاز با عنوان فرصت تجدیدقوا برای جرم و بزهکاری بیشتر استفاده می‌کنند، نباید مورد عفو قرار گیرند. از همین رو در سیره نبی مکرم اسلام (ص) مشاهده می‌شود هر جا که شرایط فراهم بود، با آغوش باز خطاکاران را می‌پذیرفت؛ از جمله پیامبر پس از جنگ احد کسانی را که با غفلت خود باعث به شهادت رسیدن جمعی از دلاورمردان اسلام از جمله حمزه عموی پیامبر شدند، مورد بخشش قرار داد (مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۱۳)؛ همچنین امیرالمؤمنین (ع) پس از چیره شدن، مردم بصره را بخشیدند و در یک عفو عمومی منادی آن حضرت ندا داد که هر کس سلاح خود را به زمین بگذارد، در امان است و هر آن کس به جمع سپاه آن حضرت پیوندد، در امان می‌ماند (منتظری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۶۰۷). پرواضح است که در برخی مواقع انسان ناخودآگاه مرتکب جرم می‌شود یا بر اثر محاسبات ناصواب یا در نتیجه خشم زیاد، قدرت تصمیم‌گیری را از دست می‌دهد که در همه این موارد و موارد دیگر که فرد واقعاً از کرده خویش پشیمان است و واقعاً توبه کرده است یا اصلاً توبه هم نکرده، ولی می‌دانیم که عفو باعث ایجاد تحول درونی او و اصلاح او می‌شود، از این ابزار مهم برای بازپروری او نباید دریغ کرد؛ چنان‌که برخی جرم‌شناسان نیز به خوبی به این حقیقت اشاره کرده‌اند و بیان داشته‌اند اجرای صحیح و خردمندانه از ابزار عفو موجب تشویق محکومان به خوداصلاحی و ارشاد آنها به جامعه‌پذیری می‌شود (گارو، [بی‌تا]، ص ۷۸۰). قطع نظر از اقسام عفو و مقام عفوکننده، صرف وجود نهاد عفو در نظام عدالت کیفری باعث ایجاد روزنه امید در دل بزهکاران است؛ چنان‌که توبه در دل بندگان خطاکار خدواند نور امید را روشن نگه می‌دارد و از خطاکار شدن بیشتر بندگان پیشگیری می‌کند.

اینکه عفو با چه فرایندی باعث اصلاح بزهکاران می‌شود، جای بررسی و پژوهش‌های گسترده روان‌شناختی و میدانی دارد؛ اما به یقین وجود نهاد عفو در نظام عدالت کیفری قبل از برخورداری از این امتیاز، بزهکارانی را که در زندان به سر می‌برند و در حال سپری کردن دوران محکومیت هستند، تشویق به خوداصلاحی می‌کند تا زودتر مشمول این امتیاز شوند؛ چنان‌که پس از برخورداری از این امتیاز با ایجاد ندامت درونی و احساس رأفت اسلامی بزهکاران را وادار به اندیشه به لغزش‌ها و اصلاح عیب‌ها می‌کند. معطوف به همین آثار بارز اصلاح‌گرانه و بازاجتماعی عفو است که مقام معظم رهبری در مناسبت‌های خاص عده خاصی را عفو می‌کنند؛ از جمله تاریخی‌ترین عفو خصوصی که گسترده‌ترین عفو از نظر تعداد افراد بود، عفو بود که به متهمان و محکومان حوادث سال ۱۴۰۱ صادر شد. شرایط پیشنهادی قوه قضاییه به دایره شمول، به خوبی بیان‌کننده این نکته است که هم قوه قضاییه که پیشنهاد عفو کردند و هم مقام معظم رهبری که موافقت با عفو کردند، به خوبی جنبه اصلاح‌گرانه عفو را مدنظر داشتند؛ از جمله اظهار ندامت و تعهد کتبی مبنی بر عدم تکرار جرم عمدی مشابه. این شرط در واقع بیان‌کننده تعهدی است که بزهکار باید به خوداصلاحی‌اش بدهد و باید بکوشد همچون فرد سالم در جامعه زندگی کند.

نتیجه

افزایش آمار سرسام‌آور جمعیت کیفری کشور و سیل ورود میلیونی پرونده‌ها در دادگاه در طی سال، اندیشه‌گران را به این فکر واداشته است که چه می‌توان کرد تا بزهکاران دوباره به وادی دهشت بار بزهکاری وارد نشوند و نیز جرم در اجتماع به عنوان معضل جدی عرض اندام نکنند. برای دستیابی به دو هدف فوق، نیاز مبرم احساس می‌شود که اولاً برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان و مجریان و ناظران اجرای قوانین و در رأس آنها قوه قضاییه سعی مجدانه در پیشگیری از جرم مبذول دارند که این مهم با اجرای قوانین برای همه افراد جامعه بدون اغماض‌های اجحاف‌گرانه، با طی فرایند معقول و دقیق با طبق مَرّ قوانین قابل دست‌یابی است. از سوی دیگر به گونه‌ای

غیرقهرآمیز نیز می‌توان با دست‌یازیدن به اقداماتی از قبیل تعامل بیشتر حقوق با فرهنگ از ناهنجاری‌ها کاست؛ زیرا فرهنگ تبیین جایگاه ارزشی هنجارهای مدنظر نظام از یک سو و بسترسازی و نهادسازی از سوی دیگر می‌تواند از تب‌بزهکاری بکاهد و باعث فروکش کردن آمار بزهکاری در جامعه شود. چنان‌که در آگاهی بخشی به موقع در مورد جرایمی که جامعه به آنها حساسیت زیادی دارد و نیز استفاده از ظرفیت عظیم رسانه‌ها در اعتلای جایگاه قضات و کل نهاد عدالت کیفری می‌تواند باعث دلگرمی قربانیان و تلنگری بر بزهکاران کنونی و پیشرو شود. هم‌زمان با تلاش برای گسترش روزافزون جرم و هنجارشکنی، باید سعی در بازپروری بزهکاران و افرادی داشت که به گونه‌ای از قافله زندگی ارزش مدارانه اجتماعی طرد شده‌اند و آنها را با راهکارهای اصلاح مدارانه به آغوش جامعه بازگرداند. اقداماتی که در سخنان حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره شده است؛ از قبیل نهاد تشویق نیک‌کرداران در مرئی و منظر زشت‌کرداران و همه‌آحاد جامعه تا با فرستادن سیگنال‌های روانی آنها را ترغیب به خودسازی و بازپروری کند، وارد نشدن به دهلیز هزارتوی سیستم عدالت کیفری برای جلوگیری از دریافت برچسب مجرمیت با صلح و سازش بین کنشگران پدیده بزهکاری از طریق نهادهای مردم‌نهاد مثل شورای حل اختلاف و عفو بخشی از بزهکارانی که در فرایند اجرای عدالت قرار گرفته‌اند، می‌تواند آنان را به آغوش جامعه بازگرداند.

پی‌نوشت‌ها

۱. طبق مفاد ماده ۲ «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».
۲. به موجب بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» از وظایف قوه قضاییه است.
۳. دیدار مقام معظم رهبری با مسئولان قضایی، ۱۳۸۷/۴/۵؛ در:

۴. «و برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد» (بقره ۲: ۱۷۹).

۵. دیدار مقام معظم رهبری با مسئولان قضای، ۱۳۷۷/۱۰/۲۳؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1852#4994>.

۶. بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضاییه، ۱۳۹۹/۰۴/۰۷؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=45974&nt=2&year=1399#116208>.

۷. بیانات در دیدار با مسئولان قضایی، ۱۳۹۸/۰۴/۰۵؛ در: <https://khl.ink/f/42925>؛ در:

۸. بیانات در دیدار با چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=533>؛ در: ۱۳۷۰/۰۶/۰۷

کتاب‌نامه

۱. قرآن

۲. نهج البلاغه

۳. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ هـ). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان. ج ۱۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴. بکاریا، سزار. (۱۳۸۰ هـ.ش). رساله جرایم و مجازات‌ها. ترجمه: محمد علی اردبیلی. ج ۵. تهران: نشر میزان.

۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۱ هـ.ش). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. ج ۴. ج ۲. تهران: گنج دانش.

۶. جندلی، منون. (۱۳۹۳ هـ.ش). درآمدی بر پیشگیری از جرم. ترجمه: شهرام ابراهیمی. تهران: نشر میزان.

۷. حاجی ده‌آبادی، محمد علی؛ و علی قبادیان. (۱۳۹۵ هـ.ش). «الگوی کنترل درونی اخلاق محور؛ در سیاست‌گذاری

جنایی». فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ش ۴.

۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۰ هـ.ش). لغت‌نامه. ج ۶. تهران: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه تهران.

۹. رجایی، حسین. (۱۳۸۴ هـ.ش). اختیار ولی فقیه در عفو محکومان. ج ۱. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

۱۰. رجبی، آریتا. (۱۳۹۴ هـ.ش). «کاربرد CPTED در کاهش جرایم شهری». فصل‌نامه آمایش محیط. ش ۳.

۱۱. رفیعی، عطاءالله. (۱۳۷۱ هـ.ش). «بررسی جایگاه عفو در تنبیه». روزنامه رسالت. ش ۱۹۱۴، ۱۳۷۱/۶/۵.

۱۲. زحمتکش، مهدی. (۱۳۸۷ هـ.ش). «اصل سرعت در دادرسی حقوقی، موانع، راهکارها». پایان‌نامه کارشناسی

ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین.

۱۳. سماواتی پیروز، امیر؛ و حسن بیگدلی. (۱۴۰۰ ه.ش). «پیشگیری از جرم در نگاه مقام معظم رهبری». فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم. دوره ۴، ش ۱، ص ۱۳ - ۳۶.
۱۴. شاه جهانپور، سعید. (۱۳۹۶ ه.ش). «نقش فرهنگ در پیشگیری از جرم». فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یارش ۴.
۱۵. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹ ه.ش). نهج البلاغه. ترجمه: محمد دشتی. قم: مشهور.
۱۶. صابر، محمود؛ و حسین ناظریان. (۱۳۹۳ ه.ش). «مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر». پژوهش‌های حقوق تطبیقی. دوره ۱۸، ش ۴.
۱۷. غلامی، حسین. (۱۳۸۷ ه.ش). تکرار جرم. چ ۲. تهران: میزان.
۱۸. فاستر، جان بلامی؛ و رابرت مک چسنی. (۱۳۹۲ ه.ش). بحران بی‌پایان. ترجمه: خسرو کلانتری. چ ۱. تهران: مهریستا.
۱۹. فاضل اصفهانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ه.ش). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. ج ۱۰. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. کاتینگهام، جان. (۱۳۸۲ ه.ش). «فلسفه مجازات». مترجمان: ابراهیم باطنی و محسن برهانی. مجله حقوق اسلامی. ش ۴.
۲۱. گارو، رنه. [بی‌تا]. مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا. ترجمه و تطبیق: سیدضیاءالدین نقابت. ج ۲. تهران: ابن‌سینا.
۲۲. لیثی واسطی، علی بن محمد. [بی‌تا]. عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحدیث.
۲۳. محمد نسل، غلام‌رضا. (۱۳۸۸ ه.ش). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
۲۴. _____. (۱۳۹۳ ه.ش). کلیات پیشگیری از جرم. تهران: نشر میزان.
۲۵. معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، (۱۳۸۲ ه.ش). مجموعه مقالات پیشگیری از وقوع جرم. تهران: مرکز مطبوعات و انتشاران قوه قضاییه.
۲۶. معاونت آموزش قوه قضاییه. (۱۳۸۸ ه.ش). قضاوت در آینه ولایت، (گزیده بیانات مقام معظم رهبری پیرامون مسائل قضایی). قم: نشر قضا.
۲۷. معظمی، شهلا. (۱۳۸۶ ه.ش). پیشگیری جرم‌شناختی (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات مجد.
۲۸. معین، محمد (۱۳۷۵ ه.ش). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۲۹. منتظری، حسینعلی. [بی‌تا]. مبانی فقهی حکومت اسلامی. چ ۳. [بی‌جا]: چاپ هاشمیان.
۳۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳ ه.ش). پیشگیری عادلانه از جرم (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری). تهران: سمت.

۳۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و حمید هاشم بیگی. (۱۳۷۷ ه.ش). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری کتابخانه گنج دانش.
۳۲. نجفی ابرندآبادی؛ علی حسین؛ محمدرضا شادمان‌فر؛ و عبدالعلی توجهی. (۱۳۸۷ ه.ش). «اصلاح ذات‌البین و نظریه عدالت ترمیمی». فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره ۱۲. ش ۳.
۳۳. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ ه). مستدرک الوسائل. ج ۱۸. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۳۴. وایت، راب؛ و فیونا هینز. (۱۳۸۳ ه.ش). جرم و جرم‌شناسی. ترجمه: علی سلیمی با همکاری محسن کارخانه و فرید مخاطب قمی. قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.